



مکتب روحانی مشاوره مسیحی

بیش از رستگاری

A Theology of Christian Counseling

More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل هجدهم

اصول پاکسازی (ادامه)

مشاوره و درد و رنج

در فصل قبل من صحبت از دردی کردم که تقصیر آن با خودمان است. ولی نوع دیگری نیز هست که صحبت از آن نشده. نوعی است که در ایوب (یا عیسی مسیح) می بینیم. در این خصوص است که می خواهم راجع به هر دو نوع درد صحبت کنم.

مشاوران مسیحی لازم است با آنچه کلام خدا راجع به درد و رنج گفته آشنا باشند تا بتوانند با متقاضیان راجع به آن صحبت کنند. همه رنج می کشند. خصوصاً مسیحیان که روزهایشان را باید در دنیای از جلال افتاده بگذرانند. منشأ رنج و درد با سقوط آدم آغاز شد و ادامه یافت. ولی دلیل نمی شود که این درد و رنج را ایمانداران نیز بکشند.

اصولاً موضوع این نیست که می خواهیم درد و رنج داشته باشیم یا نداشته باشیم. همه رنج می کشیم. موضوع این است:

۱. درد و رنج را متقاضی چگونه برداشت می کند.

۲. درد و رنج را چگونه بکار می برد.

صلیب عیسی مسیح جلال و حرمت را به درد و رنج افزود. در نتیجه، مسیحیان نباید به برداشت قدیم خود از درد و رنج ادامه دهند.

حال ببینیم برداشت دنیا از درد و رنج چیست (متأسفانه شماری از مسیحیان نیز این برداشت را دارند). ناله، فغان، افسوس، انکار، هاج و واج، و جویای راه فرارند (در دنیا همه به جانب داروی درد و آرام بخش پناه می برند)، و اینها تنها چند موردی است که نام برده ام. همه برداشتی است که دنیا از درد و رنج دارد. اگر کسی درد و رنج را بکشد، و بینش درونی از آنچه اتفاق افتاده را در دل خود ندارد، جز آنچه در دنیا رواج دارد را نخواهد یافت. امروزه هیچکس صحبت از منشأ درد و معنی که در زندگی دارد نمی کند (با وجود آنکه زندگی را سیاه می کنند). در دنیا درد و رنج مطلقاً دشمن زندگی شمرده می شود.

اگر به درد و رنج از جانب کلام خدا بنگریم، می بینیم که نه تنها می توان آن ها را تحمل کرد، بلکه استفاده از آن ها نیز کرد. فکرش را بکنید، آنچه ناگوار، وحشتناک، و دشمن بنظر می رسید، مورد استفاده ایماندار قرار می گیرد.

حال ببینیم این درد و رنج چه می باشند. من صحبت از جوانب جسمانی نمی کنم (در این خصوص کتاب های زیادی منتشر شده، و من آنچه استفاده می کنم کتاب ”مرجع طبی مشاور مسیحی“^(۱) است). به طور ساده می توان گفت که درد و رنج، احساسی است که تاثیر ناگواری بر جسم می گذارد. شاید بپرسید پس اضطراب و نگرانی روانی را چگونه می توان برآورد کرد؟ زمانی که به اوج خود برسند، تبدیل به مسئله و مشکلات زندگی می گردند و به نحوی اثر بر جسم نیز خواهند گذاشت (از سر درد معمول گرفته تا ”درد بی درمان“!).

درد و رنج، هشدار است به آنکه گناهی در کار است و باید به آن رسیدگی شود. آنچه درد و رنج جسمانی است را باید به طبیب مراجعه گردد. اما درد و رنج روحی، بخاطر روحی است که باعث درد و رنج شده. روحی است که زندگی را خراب کرده و باعث درد و رنج شده.

البته درد و رنج هائی هست که مناسب وضع موجود می باشند (اندوه از دست دادن نزدیکی، گناه فرزندی، غیره). عیسی مسیح بر صلیب درد کشید تا خواست پدر را در زمین برآورده کند. اشکال در خود درد و رنج نیست، بلکه جائی است که از آن برمی خیزد (منشا). منشأ روح پلید شیطان است که تاثیر بر زندگی گذاشته. خدا درد و رنج را ایجاد نمی کند. دردی که ما حس می کنیم،

۱. بخاطر نوع زندگی است که قبلاً داشتیم، یا
۲. بخاطر روح شیطان است که در دوره پاکسازی از بدن ما خارج می شود.

به همین خاطر است خدا می خواهد ما پایدار بمانیم. و بطوری که پولس می گوید و ما شاهد آن بوده ایم، این نوع درد و رنج “گذاری” بیش نیست:

دوم قرن‌تیاں ۴

- ۱۷: زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما
جلالی ابدی برایمان به ارمغان می آورد
که با رنجهای قیاس پذیر نیست.
- ۱۸: پس نه بر آنچه دیدنی است،
بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می دوزیم،
زیرا دیدنیها گذرا،
اما نادیدنیها جاودانی است.

پولس با درد و رنج آشنا بود، اما این درد و رنج ها را قابل قیاس با آنچه به منفعتش بود ندانست، و به این طریق توانست تازیانه ها، زندانها، هجوم خشمگین مردم، کار سخت، بی خوابی، و گرسنگی را تحمل کند (دوم قرن‌تیاں ۶: ۵). او می دانست، آخر و عاقبت هر درد و رنجی که در راه خدا پدید آید، جلالی است که به خدا می رساند و برکت به او. بله، “از تن در آوردن” ممکن است سخت باشد، ولی به نفع ماست. وقتی ما به عظمت کاری که خدا خواهد کرد پی می بریم، آنوقت در مقابل هر درد و رنجی که نسیب ما بشود تحمل و پایدار خواهیم بود. پولس می گوید:

دوم قرن‌تیاں ۴

- ۱۶: پس دلسرد نمی شویم.
هر چند انسان ظاهری ما فرسوده می شود،
انسان باطنی روز به روز تازه تر می گردد.

موضوع دیگری را پولس در رابطه با درد و رنج بیان می کند:

اول قرن‌تیاں ۱۰

- ۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد.
و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید،
بلکه همراه آزمایش راه گریزی نیز فراهم می سازد
تا تاب تحملش را داشته باشید.

می گوید هیچ آزمایشی نیست که قبلاً ایمانداران نداشته اند و از پس آن بر نیامده اند. پولس می دانست خدمت به خدا در دنیای از جلال افتاده شامل درد و رنج است. این را زمانی که در زندان بود فهمید. ولی می گوید آنچه باعث تحمل درد و رنج شد، اطمینانش به آنکه خدا در کار بود و آنچه خدا می کند، به نفع همه است.

پولس در اول قرننیا ۱۱ می گوید، آن حکمی که خدا می کند، بخاطر آن است که درد و رنج های این دنیا را از ما بیرون کند.

اول قرننیا ۱۱

۳۰: از همین روست که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و شماری هم خفته اند.

۳۱: اما اگر بر خود حکم می کردیم، بر ما حکم نمی شد.

۳۲: پس آنگاه که خداوند بر ما حکم می کند، تادیب می شویم تا با دنیا محکوم نگردیم.

زمانی که متوجه گولی که از شیطان خوردیم می شویم، و می خواهیم از شر آن خلاص شویم، رنج و زحمتی که می کشیم ("اگر بر خود حکم می کردیم")، ناشی از بیرون شدن شیطان است (مانند بیرون شدن هروئین از معتاد) که توسط روح القدس صورت می گیرد. روح پلید زور آخرش را می زند، ولی توکل به خدا پایداری لازم را می دهد، تا تمام عناصر گناه از میان برداشته شود. این وضعیت بیشتر زمانی رخ می دهد که توبه می کنیم و ندای خدا را می شنویم.

دوم تسالونیکیان ۱

۴: از این رو، ما در کلیساهای خدا به خاطر پایداری و ایمان شما در تحمل آزارها و سختیها، به وجودتان افتخار می کنیم.

چیست که نه تنها قدرت پایداری را در مقابل سختی ها می دهد، بلکه چنان خوشنودی ایجاد می کند که می توان گفت، "به وجودتان افتخار می کنم"؟ کار روح القدس. بله، خلاص شدن از شر شیطان ممکن است درد و رنج را همراه داشته باشد، ولی اگر راه نجات باز است، کیست که نخواهد آن را انتخاب کند. شیطان از طریق روح و جسم مانع می شود، ولی همزمان نشانه آن است که روح القدس بر شیطان حمله کرده و با تحمل اثرات این جنگ روحانی، پیروزی مال ما است (۲). اگر تحمل نشود، شیطان خارج نخواهد شد. آغوش خدا که نامش محبت است، باز است، ولی تحمل خروج شیطان زمینه را (دل)، برای کار روح القدس باز نگاه می دارد. مزمو ۱۱۹ می گوید:

مزمو ۱۱۹

۷۱: مرا نیکوست که مصیبت دیدم، تا فرایض تو را فرا گیرم.

عیسی مسیح در جای دیگری می گوید:

متی ۱۱

۲۸: بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران،
که «من به شما آسایش خواهم بخشید.

۲۹: یوغ مرا بر دوش گیرید
و از من تعلیم یابید،

زیرا حلیم و افتاده دل هستم،

و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت.

۳۰: چرا که یوغ من راحت است

و بار من سبک.»

زمانی که ایماندار گناه می کند، بار دنیای را ”بردوش“ می گیرد و آنچه پیش می آید را همه می دانیم. موضوع تحمل رنج و زحمتی است که در انجام خواست خدا ایجاد می گردد. نمی گوید رنج و زحمتی نیست، هست، اما راحت و سبک است. راحت زمانی است که متقاضی اطمینان دارد که خدا در کار است، و سبک چون در زمان کوتاهی یوغ مسیح جایگزین یوغ دنیا می گردد. درد و رنج را ایماندار می تواند از دیدگاه دنیا ببیند (که قبلاً اشاره به آن کردیم)، یا از دیدگاه خدا.

اول پطرس ۴

۱۲: ای عزیزان،

از آتشی که برای آزمودن شما در میانتان برپاست،

در شگفت میاشدید،

که گوئی چیزی غریب بر شما گذشته.

منظور این است که متقاضی باید بداند این درد و رنج از کجا سرچشمه گرفته و آیا باید نگران باشد یا نباشد. پولس ادامه می دهد:

اول پطرس ۴

۱۳: بلکه شاد باشید

از اینکه در رنجهای مسیح سهیم می شوید،

تا به هنگام ظهور جلال او

به غایت شادمان گردید.

”رنجهای مسیح“ به عبارتی همان ”یوغ مسیح“ است، که می گوید تا به هنگام ظهور مسیح، با ما خواهد بود و به این صورت وجود خدا در ما کامل گشته و شادی ما افزون می گردد.

فهرست زیر نویس های فصل هجدهم

The Christian Counselors Medical Desk Reference, Robert D. Smith, M.D. (۱)
(۲) گناه مثل اعتیاد به هروئین می ماند که با درد و رنج از بدن خارج می شود.